

# © ۲۰۲۱ } fēā ā Z,xē

£ fēgf í dí Zā¼ xò® ä ädÄ ä Ä® Z  
{ gf )âd®ç fēf â £ ā ZgZ®xēÄ -Ä Z, ä gZ

جوامع بشری، در حالی که در کلیه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی پیشرفت‌های شایانی کسب کرده است اما، متأسفانه در علم پزشکی، در مقابله با بیماری‌های کشنده، از جمله بر بیماری هولناک «سرطان»، تاکنون پیروز نگشته است. شاید سرطان، یکی از بیماری‌های هولناکی باشد که فکر کردن به آن و حتا به زبان آوردنش نیز سخت و دردناک است. من این شرایط را در ماه‌های اخیر در نزدیکی از عزیزترین کسانم مشاهده کردم. او، احساس می‌کرد که به این بیماری دچار شده است و تا این که معاینات و آزمایشات پزشکی روشن شود حسابی تعادل خود را از دست داده بود. پس از این همه دلهره معلوم شد که خوشبختانه سرطان ندارد و بیماری ریوی اش ناشی از سرماخوردگی بوده است. این وضعیت باعث شد که او، بلافاصله سیگار را ترک کند. چرا که پزشکان معالج به او گفته بودند یکی از عوامل ابتلا به بیماری سرطان مصرف سیگار است. در هر حال زندگی بشر، مملو از شگست و پیروزی و اشک و شادی و درد و غم است. زندگی انسان همواره در حال دگرگونی است، از احساساتش گرفته تا افکار و اندیشه‌هایش.

مدت‌هاست که چند نفر از رفقای را که از نزدیک می‌شناسم و به آن‌ها ارادت دارم در حال مبارزه بی‌امان با بیماری «سرطان» به سر می‌برند. رفیق قدیمی و عزیزم منصور حکمت و رفقای دیگر «ح-ت»، «د-پ»، «ح-ن»، با این بیماری دست و پنجه نرم می‌کنند. آنان در میدان مبارزه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آبدیده شده‌اند و هر گز از پای ننشسته‌اند. این بار نیز آرزو می‌کنم مانند همیشه بر دشمن خود فایز آیند و سالم و خروشان در عرصه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حضور داشته باشند. از سوی دیگر کم نیستند انسان‌های بی‌شماری که در چهار گوشه کره خاکی، در فقر و فلاکت از این بیماری رنج می‌برند و ناشناخته نیز جان می‌سپارند. هر چند که ما، از نزدیک آن‌ها را نمی‌شناسیم اما، به عنوان انسان، این درد و رنج ما را نیز می‌آزارد.

حوادث طبیعی مانند زلزله، طوفان، سیل و ... هر ساله جان هزاران انسان را می‌گیرد. آخرین حادثه دلخراش زلزله ایران، است که در اثر آن هزاران نفر، جان خود را از دست داده‌اند و یا زخمی و بی‌خانمان گشته‌اند. بی‌شک امروز، علم و توانایی بشر به جایی رسیده است که بتواند طبیعت را مهار کند؛ جلو بسیاری از حوادث طبیعی را بگیرد و تلفات آن را به حداقل برساند، به شرطی که امکانات لازم در اختیار مردم باشد. مثلاً اگر زلزله‌ای با شدت اخیر ایران، در یکی از کشورهای پیشرفته صنعتی روی دهد با امکانات ساختمان‌سازی که در این کشورها وجود دارد، شاید تلفات انسانی و ویرانی از تعدادی انگشت‌شمار فراتر نرود. در واقع رژیم‌های دیکتاتوری، مانع رشد و گسترش جوامع بشری و دست‌آوردهای علمی و اجتماعی هستند.

آخرین اطلاعیه «حزب کمونیست کارگری ایران» که در تاریخ ۲۸ ژوئن ۲۰۰۲، منتشر شده است حاکی از آن است که متأسفانه بیماری رفیق منصور حکمت، متوقف نشده است و مداوا همچنان ادامه دارد. شنیدن چنین خبری ناگوار تاسف و تأثر هر انسانی را بر می‌انگیزد. خاموش شدن صدای منصور حکمت‌ها، انسان‌هایی که زندگی خود را وقف مبارزه در راه رهایی بشر از زور و ستم و نابرابری می‌کنند، طبیعتاً برای جامعه بشری ضایعه بزرگی به شمار می‌آید. در عین حال از بین رفتن هر انسانی نیز تاسف‌بار است. برای رفیق منصور حکمت، «ح-ن»، «د-پ» و «ح-ت» که در بستر بیماری افتاده‌اند، از صمیم قلب آرزوی بهبودی و بهروزی دارم.

شکی نیست که هر تولدی، مرگی را به دنبال دارد. اما، اگر آن امکانات سرشار و بی حد و حصری که برای تولید جنگ افزار و سلاح های گشتار جمعی، ابزار شکنجه، زندان و به اسارت و انقیاد و استثمار انسان ها، توسط حاکمان در سطح جهان، به کار گرفته می شود، اگر در راه سعادت، رفاه، آزادی و مبارزه با بیماری ها از جمله سرطان به کار گرفته شود به احتمال قوی این بیماری نیز مانند بسیاری از بیماری های دیگر مهار خواهد شد. متأسفانه چنین نیست، زیرا که چنین عملکردی نفعی برای نظام سرمایه داری ندارد. آن چه که بر وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی می افزاید گسترش روز افزون فاصله و شکاف های طبقاتی است که اکثریت مردم جهان را وادار کرده اند تنها به زنده ماندن خویش دل خوش باشند. در حالی که اقلیتی در ناز و نعمت فراوان می لولند. تغییر این وضعیت نابرابر و غیرعادلانه بیش از هر زمان دیگری از تاریخ نیاز عاجل بشر است. کار و تلاشی که بر دوش جنبش های اجتماعی قوی و فعالین سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قرار دلرد که خود را در تغییر نظم موجود به نفع بشریت ملزم می دانند.

به نظرم بهترین راه برای اعلام هم دردی با این عزیزان و نزدیکانشان، تلاش برای ساختن جامعه ای آزاد و برابر و آرمان هایی است که در آن نه تنها کسی از فقر و فلاکت و بیماری جان نبرد بلکه کلیه امکانات برای رفاه اجتماعی و مبارزه با هر گونه نابرابری ها و نامالیمات و بیماری هایی مانند «سرطان»، به کار گرفته شود و درد و رنج و غم از جامعه بشری رخت ببندد. در چنین وضعیتی تنها امید، ما، به دانش پزشکی است.

بار دیگر، برای «منصور حکمت»، «ح-ن»، «د-پ» و «ح-ت» آرزوی بهبودی می کنم و بدینوسیله با تمام وجودم خودم را در این شرایط، با نزدیکان و دوستان و هم زمانشان همراه حس می کنم. زندگی در هر شرایطی زیباست و لو این که همراه با درد و غم و رنج باشد، به قول شاعر و اندیشمند «محمد اقبال لاهوری» که در شعری به نام «گل و شبنم» سروده است:

شبی زار نالید ابر بهار  
که این زندگی گریه پی هم است  
درخشید برق سبک سیر و گفت  
خطا کرده ای، خنده یک دم است  
ندانم به گلشن که برد این خبر،  
سخن ها میان گل و شبنم است.

با احترام

بهرام رحمانی

۲۹ ژوئن ۲۰۰۲